

نقش و تأثیر مبانی نظری، فلسفی، دینی و سایر مطلوب‌ها در استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی

رضا حسین‌پور -

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۴/۰۹

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۷/۱۷

چکیده

هدف این پژوهش، تعیین مؤلفه‌های مؤثر و نقش و تأثیر آنها در استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی و روش آن از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی - تحلیلی و از جمله تحقیقات کیفی اکتشافی است. جامعه و نمونه آماری تحقیق در بخش کیفی جهت استخراج مبانی و تعیین‌کننده‌های بنیادین، مستندات طرح "طراحی نظام جامع تربیت و آموزش سازمانی" شامل پروژه‌های مبانی دینی و فلسفی (انسان‌شناسی، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی)، مبانی روان‌شناختی (جسمانی، شناختی، عاطفی و اجتماعی)، مبانی زیست‌شناختی و مبانی فن‌شناختی (فناورانه) و منابع نظری مرتبط از کتب، مقالات و سایر منابع در دسترس بود. برای اعتباریابی یافته‌های تحقیق، ۱۰ نفر از خبرگان آموزش سازمانی به صورت هدف‌مند به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. یافته‌ها پس از ارائه در جلسات کارشناسی، با روش اجماع‌نظر خبرگان، نهایی و پس از تأیید آنها ارائه شده است. یافته‌ها: در گام اول تعیین‌کننده‌های بنیادین که در استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی، مؤثرند، استخراج و مورد تصویب کارگروه تخصصی (نمونه تحقیق) قرار گرفت. نحوه تأثیر مبانی و تعیین‌کننده‌ها در استانداردسازی نظام تربیت و آموزش از مبانی نظری استخراج و پس از اعمال نظر و تأیید کارگروه ارائه شد. در نهایت نوع تأثیر مبانی و تعیین‌کننده‌های بنیادین در استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی در قالب گزاره‌هایی کوتاه تدوین و ارائه شد.

نتیجه‌گیری: همان‌طور که یافته‌های این تحقیق، مبنایی برای طراحی زیرنظام استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی قرار گرفت، هم روش ارائه‌شده در این تحقیق و هم یافته‌ها می‌تواند در طراحی الگوها و فرایندهای نظام تربیت و آموزش سازمانی، مخصوصاً زیرنظام استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی و یا نظام‌های تعلیم و تربیت کشور (آموزش و پرورش، آموزش عالی،...) مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: مبانی فلسفی؛ مبانی دینی؛ مطلوب‌ها؛ نظام تربیت و آموزش سازمانی؛ استانداردسازی آموزشی

مقدمه

مبانی تربیت و آموزش از موقعیت آدمی و عواملی که حیات او را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، بحث می‌کند. هدف نهایی تربیت، رشد انسان است. برای تحقق اهداف تربیتی، برنامه‌ریزان و اساتید و مربیان بناچار باید، فراگیران و عواملی را که حیات او را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، در تدوین اهداف، انتخاب تجارب و محتوای پرورشی و نیز تعیین راهبردهای آموزشی و از همه مهم‌تر استانداردهای آموزشی مد نظر قرار دهند (حسینی‌نسب و علی‌اقدم، ۱۳۵۷). مبانی دینی و فلسفی (انسان‌شناسی، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی)، مبانی روان‌شناختی (جسمانی، شناختی، عاطفی و اجتماعی)، مبانی زیست‌شناختی و مبانی فن‌شناختی (فناورانه) به‌عنوان منابع اساسی، اطلاعات وسیعی را در خصوص ویژگی‌های فراگیران، اساتید و مربیان، کارکنان آموزشی، فرهنگ و فضاهای تربیتی و آموزشی، راهبردهای یاددهی - یادگیری و... در اختیار برنامه‌ریزان تربیتی و آموزشی قرار می‌دهد. به‌عبارت‌دیگر، طراحان و برنامه‌ریزان هنگام طراحی نظام تربیت و آموزش و در زمان اجرای آن با چالش‌ها و سؤالاتی مواجهند که این مبانی و تعیین‌کننده‌ها مسیر حرکت آنها را تعیین کرده و در پاسخگویی به این سؤالات و چالش‌ها کمک فراوانی خواهند کرد. از طرف دیگر، برای تدوین استانداردهای آموزشی که در واقع سنگ‌بنای طراحی و اجرای نظام تربیتی و آموزشی است، باید به این مبانی و تعیین‌کننده‌های بنیادین توجه ویژه شده و آثار آنها در جای‌جای نظام، قابل ملاحظه و مشاهده باشد. متأسفانه، در بسیاری از موارد، مبانی دینی، فلسفی و نظری در پژوهش‌ها تهیه، تدوین و مورد بررسی قرار می‌گیرند، ولی در مراحل بعدی طراحی نظام‌ها و مدل‌های اجرایی تحقیق از آنها استفاده نشده و یا از آنها فاصله گرفته می‌شود و در طراحی، برنامه‌ریزی و اجرا، مسیر دیگری پیموده می‌شود. در این گونه موارد، به نظر می‌رسد که هدف از تدوین مبانی و مطلوب‌ها، هنگام تهیه و تدوین آنها، به‌خوبی تبیین نشده است. به همین دلیل، بسیاری از نظام‌ها و فرایندهای طراحی شده به دلیل اینکه مبتنی بر مبانی و تعیین‌کننده‌های بنیادین خود نیستند، در عمل نمی‌توانند اهداف موردنظر از طراحی خود را برآورده نمایند و یا از کارایی و اثربخشی لازم برخوردار نیستند. لذا مسئله اصلی این تحقیق آن است که اولاً مبانی و تعیین‌کننده‌های بنیادین مؤثر در زیرنظام استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی کدامند و ثانیاً این مبانی و تعیین‌کننده‌ها در چه حوزه‌هایی از نظام تربیت و آموزش تأثیر گذارند و نحوه و نوع تأثیر آنها چگونه است؟

به منظور نشان دادن اهمیت و ضرورت انجام این تحقیق ابتدا اشاره‌ای به فلسفه تعلیم و تربیت و تأثیر آن بر نظامات تربیت و آموزش و سپس سایر مبانی و مطلوب‌ها، شده است؛ چراکه فلسفه در جستجو برای یافتن ارزش‌های معین و قابل دفاع، روشن نمودن عقاید و نگرش‌های فرد، به‌نظم درآوردن چهارچوبی برای تصمیم‌گیری‌ها و عمل براساس آنهاست و به‌طور خلاصه، فلسفه ما از تعلیم و تربیت، بر تصمیمات ما، انتخاب‌ها و جایگزینی‌ها تأثیر دارد (نقیب‌زاده، ۱۳۷۳). همچنین فلسفه ملاک و میزانی برای مشخص کردن اهداف و مقاصد است. به عبارتی، اهداف، بیانگر ارزش‌هایی است که از عقاید فلسفی نشئت گرفته و نمایشگر فرایندها و روش‌هایی است که آنها نیز گویای گزینش فلسفی هستند و در مجموع، فلسفه اساس و راهنمایی به‌سوی عمل است (شعاری‌نژاد، ۱۳۹۰). از سوی دیگر، آشنایی با یافته‌های علوم مربوط به آدمی، گرچه لازم و در بسیاری از موارد سودمند است، از لحاظ تعلیم و تربیت، ارزش مطلق ندارد و برای حل همه مشکلات کافی نیست. اولاً داده‌های علمی مذکور به‌صورت خام در تعلیم و تربیت قابل استفاده نیست و پیش از آنکه در موقعیت‌های تربیتی به کار برده شود، باید از صافی ملاحظات فلسفی و اخلاقی بگذرد. ثانیاً چنانچه بخواهیم برای یافتن پاسخ همه پرسش‌هایی که در قلمرو تعلیم و تربیت پیش می‌آید، منحصرأ دست به دامان علوم بشویم، بسیاری از سؤالات ما، بلکه اساسی‌ترین آنها بی‌جواب می‌ماند. برای رفع این نقیصه و مقابله با این وضع، باید به فلسفه متوسل شد (شکوهی، ۱۳۷۶: ۱۰۷). به‌طور خلاصه می‌توان گفت، فلسفه، چهارچوبی برای مسائل و وظایف (کلان)، مانند تعیین اهداف تعلیم و تربیت، محتوا و سازمان، فرایند آموزش و یادگیری و به‌طور کلی تجارب و فعالیت‌هایی که باید در (نظام آموزشی) بر آنها تأکید شود، فراهم می‌نماید. فلسفه همچنین اصولی برای وظایف خاص و تصمیم‌گیری‌ها مهیا می‌سازد. فاقد فلسفه بودن از برقراری نظام ارزش‌ها جلوگیری می‌کند (نقیب‌زاده، ۱۳۷۳).

از طرف دیگر، اصول و مبانی حاکم بر نظامات تعلیم و تربیت، مخصوصاً زیرنظام و فرایند استانداردسازی نظام تربیت و آموزش، در حقیقت برگرفته از فلسفه تعلیم و تربیت، مبانی تعلیم و تربیت دین مبین اسلام و مذهب تشیع خواهد بود. لذا با توجه به نقش مهم و تأثیرگذار استانداردسازی در نظام تربیت و آموزش که همانند چراغ راه و جهت‌دهنده سایر نظامات عمل می‌کند، لازم است برای تحقق درست و بهینه این نقش، نظام استانداردسازی تربیت و آموزش برگرفته از کلیه مبانی تعلیم و تربیت و نیز تعیین‌کننده‌های بنیادین این نظام باشد؛ به‌طوری که در کلیه

ارکان و مراحل استانداردسازی از قبیل نیازسنجی در تدوین استانداردها، اهداف استانداردسازی آموزشی، اصول و الزامات تدوین و بازنگری استانداردها، منابع اطلاعاتی (مراجع و منابع استاندارد و منابع و مراجع غیراستانداردی)، معیارهای مؤثر در انتخاب منابع و مراجع پایه استاندارد، الگوها و روش‌های استانداردسازی، مراحل استانداردسازی، و همچنین پیشنهاد استاندارد (نیازسنجی)، تهیه پیش‌نویس (طراحی و تدوین اولیه)، ارزیابی و آزمون (بررسی پیش‌نویس استاندارد)، تأیید نهایی استاندارد و نیز انتشار استاندارد (قورچیان، ۱۳۸۲)، مبانی و تعیین‌کننده‌های بنیادین نظام تربیت و آموزش مد نظر و مورد توجه خاص قرار گرفته و بر تمامی موارد فوق حاکم باشند. بدین ترتیب، نظام استانداردسازی تربیت و آموزش سازمانی باید مبتنی بر مبانی و اصولی همچون مبانی دینی و فلسفی (انسان‌شناسی، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی)، مبانی روان‌شناختی (جسمانی، شناختی، عاطفی و اجتماعی)، مبانی زیست‌شناختی و مبانی فن‌شناختی (فناورانه) شکل گیرد، به گونه‌ای که نقش و تأثیر این مبانی در اجزاء و عناصر استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی، به خوبی نمایان شود، همان‌گونه که این تأثیر باید در کل نظام تربیت و آموزش سازمانی، مشهود و ملموس باشد (حسین‌پور، ۱۳۹۲).

مطلوب‌ها گزاره‌هایی هستند که به عنوان خواست منطقی تعالی‌بخش سازمان‌ها تجلی می‌یابند. برخی از این مطلوب‌ها غالباً در سطحی هستند که زمان‌مند نبوده و تقریباً مطلوب دائمی محسوب می‌شوند و آنها را تحت عنوان باید‌ها و نبایدها و یا "بیانیه ارزش‌ها" می‌شناسند. بخشی از این مطلوب‌ها به‌سان تبیین اهداف بلندمدت، آمیخته با ارزش‌ها و برخاسته از آنها هستند که بروز و ظهور عملی مؤلفه‌هایی از ارزش‌ها را در بازه زمانی معین جلوه می‌دهند تا پس از توافق، تحقق آنها مورد اراده سازمان واقع و محور تمامی برنامه‌ریزی‌ها قرار گیرند که این بخش از مطلوب‌ها "چشم‌انداز" نامیده شده‌اند. بخش دیگری از مطلوب‌ها، تحت عنوان "بیانیه مأموریت"، گزاره‌هایی هستند که ارزش‌ها و چشم‌انداز را با ادبیات عملیاتی درون سازمان تطبیق، و نحوه عملی شدن آنها را در حوزه عمل با توجه به ملزوماتی که باید برای عملی نمودن آن فراهم و هماهنگ شود، ارائه می‌دهند. نکته حائز اهمیت در ارتباط با مطلوب‌ها این است که با محور قرار دادن آنها، باید در گام‌های بعدی، اهداف و برنامه‌های میان‌مدت، کوتاه‌مدت، راهبردها و طرح‌های اقدام از آنها استخراج شود (فضایلی، ۱۳۹۱).

مبانی نظری و پیشینه پژوهش برگرفته از مستندات طرح شهید مطهری (نظام تربیت و آموزش

سازمانی) و سایر کتب و مقالات مرتبط است که در ادامه به بخشی از آنها اشاره شده است. مطابق مبانی نظری و ادبیات موضوع و نیز مستندات طرح شهید مطهری (نظام تربیت و آموزش سازمانی)، مهم‌ترین مبانی اساسی تربیت در پنج بخش به شرح ذیل طبقه‌بندی و بیان شده است (ایزدی طامه، ۱۳۹۰):

مبانی هستی‌شناختی

مقصود از مبانی هستی‌شناختی تربیت در این تحقیق، بخشی از گزاره‌های توصیفی - تبیینی درباره خداوند و دیگر عناصر هستی (حقیقت وجود و برخی احکام کلی مربوط به واقعیات جهان) است که در مباحث جهان‌بینی اسلامی یا در حوزه دانش فلسفه اسلامی به‌طور مدلل و مبرهن مطرح شده یا مفروض قرار گرفته‌اند (شعبانی، ۱۳۸۴). باتوجه به این تعریف، مهم‌ترین این مبانی عبارتند از: ۱. جهان هستی واقعیت دارد، ولی هستی به طبیعت منحصر نیست، ۲. خداوند مبدأ و منشأ جهان و مالک مدبر و رب حقیقی همه موجودات عالم است، لذا رابطه خدا با جهان آفرینش رابطه رحمت، خالقیت، ربوبیت، مالکیت، صیانت، معیت و احاطه قیومی است، ۳. ویژگی ذاتی جهان موجودات (عالم امکان)، فقر و نیاز محض به واجب‌الوجود است، این امکان فقری سبب می‌شود موجودات نه تنها در پیدایش، بلکه در بقا نیز به ذات غنی واجب‌الوجود به‌طور ابدی محتاج بمانند، ۴. در جهان هستی درعین وحدت، کثرت وجود دارد. ("وحدت در کثرت و کثرت در وحدت" یا "تشکیک در مراتب وجود")، ۵. آفرینش جهان هستی، غایت‌مند و خداوند، غایت همه موجودات است، ۶. خداوند خیر بنیادین هستی است و همه موجودات عالم را به‌سوی کمال شایسته آنها هدایت می‌کند. لذا تمام موجودات جهان هستی از هدایت الهی برخوردارند، ۷. جهان آفرینش از نظام احسن برخوردار است و اراده و سنن الهی بر جهان هستی حاکم است، ۸. نظام علت و معلول و سبب و مسبب بر هستی حاکم است، ۹. جهان آفرینش آیت و نشانه علم و قدرت و حکمت و مهر نامتناهی خداوند است، ۱۰. جهان طبیعت در شدن و دگرگونی و حرکت مداوم است، ۱۱. جهان طبیعت و همه واقعیتهای آن، اموری محدود، پایان‌پذیر و فناشدنی هستند، ۱۲. بعد از این دنیا، جهان ابدی دیگری است که سراسر حیات و زندگی واقعی است (شاهرودی، ۱۳۸۹).

مبانی انسان‌شناختی

مراد از مبانی انسان‌شناختی، در ذیل مبانی اساسی تربیت، آن دسته از گزاره‌های توصیفی -

تبیینی مدلل درباره واقعیت وجود انسان است که از تعالیم اسلامی یا معارف اصیل اسلامی یا از مباحث مربوط به تعریف انسان در فلسفه اسلامی (علم النفس فلسفی) استخراج شده‌اند و باید آنها را به لحاظ نقش محوری تبیین و ترسیم سیمای انسان در هر نظریه فلسفی تربیت، سنگ بنای اصلی هرگونه توصیف و تبیینی از فلسفه تربیت با رویکرد اسلامی دانست (حجتی، ۱۳۶۴). براین اساس، اهم این مبانی را به شرح زیر می‌توان برشمرد:

- انسان موجودی است مرکب از جسم و روح یعنی دو حیثیت درهم‌تنیده و مرتبط؛
- حقیقت انسان، روح اوست و کمال و جاودانگی آدمی به کمال و بقای روح مربوط می‌شود؛
- انسان فطرتی الهی دارد که قابل فعلیت یافتن و شکوفایی یا فراموش شدن است؛
- انسان برحسب فطرت و آفرینش، جویای همه مراتب کمال (تأحد بی‌نهایت) است؛
- آفرینش انسان، هدف‌مند و در هماهنگی کامل با غایت هستی است؛
- سنت‌های الهی بر زندگی انسان حاکم است؛
- انسان هم کرامت ذاتی دارد و هم می‌تواند کرامتی اکتسابی به‌دست آورد و لذا این قابلیت را دارد که خلیفه خدا در روی زمین باشد؛
- همه انسان‌ها، برحسب آفرینش برابرند و از حقوق و تکالیف عادلانه برخوردارند؛
- خداوند توانایی ویژه‌ای به نام عقل و خرد به انسان ارزانی داشته است؛
- انسان موجودی آزاد و صاحب‌اختیار است که این آزادی و اختیار را خدا به او داده است؛
- انسان موجودی است دارای استعدادهای طبیعی متنوع و عواطف و تمایلات گوناگون که می‌توانند در هر جهت (مثبت یا منفی) فعلیت یافته و تأثیرگذار باشند؛
- انسان‌ها، ضمن داشتن طبیعت و فطرت مشترک، دارای خصوصیات متفاوتند؛
- وجود انسان همواره در حال شدن، حرکت و دگرگونی است؛
- انسان همواره در «موقعیت» است و می‌تواند آن را درک کند و تغییر دهد؛
- انسان در عین برخورداری از استعدادهای فراوان، دارای انواع محدودیت‌هاست؛
- انسان موجودی اجتماعی است، لذا هم وجود آدمی تا حدی قابل توجه از شرایط اجتماع تأثیر می‌پذیرد و هم می‌تواند با توسعه وجودی خویش، با دیگران ارتباط برقرار کرده و اجتماع را تحت تأثیر خود قرار دهد؛

- آدمی در تکوین و تحول هویت ناتمام و پویای خود، نقش اساسی دارد. معرفت، باور، میل، اراده، عمل (فردی و جمعی) مداوم و در نتیجه کسب صفات و توانمندی‌ها و مهارت‌ها، عناصر اصلی تکوین و تحول هویت انسان می‌باشند؛

- هویت دو وجه فردی و جمعی دارد و در انواع و جنبه‌های مختلف قابل تحقق است؛
- انسان برای نقش‌آفرینی در روند تکوین و تحول هویت خویش به دلیل تهدیدهای بیرونی و درونی، نیازمند هدایت الهی است.

- انسان حیاتی بی‌پایان دارد و سرنوشت هر کس در زندگی جاودان، با انتخاب و عمل او در همین دنیا رقم می‌خورد.

مبانی معرفت‌شناختی

منظور از مبانی معرفت‌شناختی در این مقاله بخشی از گزاره‌های توصیفی و تبیینی درباره شناخت آدمی و حدود و ثغور آن است، که بنابر سنت متعارف در مباحث فلسفی معاصر و با توجه به اهمیت بسیار عرصه معرفت‌شناسی در تبیین فلسفه تربیت، مبانی مربوط به این عرصه از مبانی عام انسان‌شناختی متمایز شده است. هر چند در متون رایج فلسفه اسلامی با وجود پرداختن به بسیاری از مباحث این عرصه مهم، چنین تمایزی وجود ندارد.

اهم این دسته از مبانی اساسی تربیت به شرح زیر است:

- انسان نسبت به شناخت هستی و درک موقعیت خود و دیگران در هستی توانایی دارد؛

- علم دارای اقسام حقیقی و اقسام اعتباری است؛

- معیار اعتبار علم، مطابقت با مراتب گوناگون واقعیت (نفس الأمر) است؛

- علم درعین کشف از واقع (از منظر معلوم)، محصول ابداع (از منظر عالم) است؛

- علم درعین ثبات (از منظر معلوم)، دارای ویژگی پویایی (از منظر عالم) - است؛

- علم انسان مراتب و سطوح مختلف دارد؛

- آدمی منابع و ابزار شناخت متعددی در اختیار دارد که مکمل یکدیگرند و برای شناخت

واقعیات و حقایق جهان باید از همه آنها بهره گرفت و نمی‌توان از برخی به نفع دیگری دست برداشت؛

- اهم راه‌ها و ابزارهای گوناگون انسان برای دستیابی به معرفت عبارتند از: حواس درونی و

بیرونی، عقل، شهود و مکاشفه، وحی و الهام؛

- انسان هم در مقام نظر و هم در عرصه عمل، توانایی تعقل (عقل‌ورزی) دارد که در شناخت حقیقت هستی و کسب سعادت جاوید نقش اساسی دارد؛
- شناخت آدمی با موانع و محدودیت‌هایی همراه است.

مبانی ارزش‌شناختی

مقصود از مبانی ارزش‌شناختی در این مجموعه، مباحثی درباره ماهیت ارزش‌ها و نحوه درک و اعتباربخشی آنها و نیز بخشی از گزاره‌های مربوط به بیان مصادیق ارزش‌های معتبر و چگونگی تحقق آنها براساس نظام معیار مقبول در جامعه اسلامی (مبانی و ارزش‌های مبتنی بر دین حق یا سازگار با آن) است که عموماً از حوزه فلسفه اخلاق و حکمت عملی با رویکرد اسلامی یا از منابع بیانگر نظام ارزشی و اعتقادی اسلام، به‌عنوان اصول موضوعه، اخذ شده‌اند.

اهم این مبانی را به این شرح بیان می‌توان نمود:

- ارزش‌های حقیقی (معتبر) باتکیه بر واقعیت‌های مربوط به عمل آدمی و نتایج آن ارزش‌گذاری

می‌شوند؛

- اعتبار ارزش‌ها هم از طریق «عقل و فطرت انسانی» و هم با مراجعه به «نظام معیار دینی» معلوم

می‌شود؛

- ارزش‌ها انواع و مراتب مختلف دارند و به شکل سلسله‌مراتبی با غایت اصیل زندگی آدمی

(قرب الی‌الله) ارتباط دارند؛

- ارزشمند دانستن هر عمل، هم تابع حُسن فعلی و هم وابسته به حُسن فاعلی است؛

- انسان موجودی مکلف است و نسبت به انجام تکالیف خود، نخست در برابر خداوند و سپس

خویش و دیگران مسئولیت دارد؛

- حیات طیبه وضع مطلوب زندگی بشر براساس نظام معیار ربوبی است که با انتخاب و التزام

آگاهانه و اختیاری این نظام معیار در همین زندگی دنیایی و درجهت تعالی آن از سوی خداوند به

انسان اعطا می‌شود و تحقق آن باعث دستیابی به غایت اصیل زندگی انسان، یعنی قرب الی‌الله

خواهد شد؛

- حیات طیبه، مفهومی یکپارچه و کلی است که همه ابعاد فردی و اجتماعی زندگی انسان را

دربرمی‌گیرد و شئون گوناگونی دارد که در ارتباط و تعامل با همدیگر و با محوریت شأن دینی و

اخلاقی، آن را محقق می‌سازند؛

- حیات طیبه مفهومی ذومراتب است که برخی از مراتب نخستین آن مطلوب همه انسان‌هاست و باید تحقق حیات طیبه از این مراتب آغاز شود؛

- یکی از ویژگی‌های مهم حیات طیبه، توازن و اعتدال در ابعاد مختلف آن است؛

- تأسی به اولیای الهی و تولا و اطاعت از آنها و دشمنی با دشمنان خدا، بهترین راه تحقق حیات طیبه در مسیر قرب الی الله است؛

- آماده‌شدن افراد جامعه برای تحقق آگاهانه و اختیاری حیات طیبه، مهم‌ترین زمینه تحقق این نوع زندگانی است؛

- آزادی حقیقی انسان، در رهایی از همه موانع درونی و بیرونی رشد و تعالی انسان - نظیر وابستگی به شهوات و تمایلات نفسانی، پذیرش انواع ستم اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی، تبعیت کورکورانه از هنجارها و سنت‌های غلط و اطاعت از حاکمیت طاغوت (حاکمان غیرخدایی) و حرکت به سوی اختیار (انتخاب خیرات و اجتناب از شرور) است؛

- عدالت اساسی‌ترین ارزش اجتماعی در نظام معیار اسلامی است؛

- رأفت، احسان و گذشت و بخشش، ارزش‌های متمم عدالت هستند؛

- ارزش زیباشناختی هم ناظر به واقعیت‌های عینی است و هم وابسته به ادراک فرد؛

- طبیعت دارای ارزش ابزاری و آیه‌ای به صورت توأمان است.

مبانی دین‌شناختی

این دسته از مبانی صرفاً به مباحثی درباره دین (چیستی و چرایی دین، جایگاه دین در زندگی و نسبتی که انسان با آن دارد، نحوه فهم دین، قلمرو دین و ارتباط آن با سایر معارف و...) می‌پردازند که در حیطه دانش فلسفی مضاف «فلسفه دین» یا بعضاً در حوزه مباحث «کلام جدید» قرار می‌گیرند. بیان این‌گونه مباحث در بیان مبانی اساسی فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران (برخلاف رویه متعارف در فلسفه تربیت) از این جهت ضرورت یافته است که دین، نقشی محوری و بی‌بدیل در تنظیم و هدایت تربیت براساس دیدگاه اسلامی دارد. لذا می‌توان اهم مواضع دین‌شناختی را براساس دیدگاه معتبر و مقبول در جامعه اسلامی ایران به این شرح بیان نمود.

- دین، حقیقت واحدی است که از سوی خدا برای هدایت بشر به سوی سعادت حقیقی و جاوید فرستاده شده است و شرایط توحیدی مصادیق متکامل آن محسوب می‌شوند. خاستگاه و مقصد دین حق (اسلام)، فطرت انسان و شکوفائی آن است؛

- دین اسلام، در راستای تحقق مراتب حیات طیبه انسان در همه ابعاد فردی و اجتماعی، نظام معیار مورد نیاز برای هدایت آدمی به سوی سعادت جاوید را در همه شئون زندگی ارائه می‌کند؛
- دین برای تحقق حیات طیبه در همه ابعاد، ما را علاوه بر استفاده از تجارب متراکم بشری، به خلاقیت و ابداع و فعلیت بخشیدن به همه ظرفیت‌های فکری خویش فرامی‌خواند؛
- حوزه رهنمودهای نظام معیاری دین، همه انسان‌ها در هر زمان و مکان و زبان آن جهانی است. دین اسلام با دو ویژگی توأمان ثبات و پویایی، پاسخگوی نیازهای فرد و جامعه در زمینه هدایت انسان به سوی ساحت ربوبی است.
- در دین اسلام، تفکیک دنیا از آخرت، فرد از اجتماع، جسم از روح و امور مادی از ارزش‌های معنوی، معنا ندارد و لذا تحقق کامل رسالت دین اسلام، افزون بر رشد همه‌جانبه افراد بر بنیان ارزش‌های دینی، مستلزم پیشرفت متوازن و همه‌جانبه جامعه بر همین اساس است.
- شناخت دین اسلام، علاوه بر فهم و تفسیر روشمند قرآن کریم، نیازمند بهره‌مندی از سنت معتبر پیامبر (ص) و معصومان (ع) و تکیه بر تبیین و تفسیر پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) از حقایق دینی است.
- اجتهاد، سازوکار فهم روشمند نظام معارف دینی و ارزش‌های مبتنی بر آن (هنجارها و احکام عملی شریعت)، برای حرکت دین‌مدار انسان در چهارچوب اصول و ضوابط ثابت دین و متناسب با مقتضیات زمان و مکان است؛
- معارف دینی، مجموعه‌ای است نظام‌مند، جامع‌نگر، پایا و پویا، با تلقی منظومه‌ای از حیات انسان که بر پایه احکام عقل نظری و عقل عملی (به‌عنوان حجت باطنی) و باتکیه بر قرآن و سنت معتبر از طریق فرایند اجتهاد، هدایت‌کننده عقل مولد و عقل ابزاری بشر و پذیرای نتایج و دستاوردهای معتبر آنهاست؛
- دین اسلام، نویدبخش آینده‌ای روشن برای انسان در جامعه عدل جهانی است که مستلزم تلاش جامعه دینی جهت تأسیس تمدن نوین اسلامی بر اساس نظام معیار اسلامی است؛
- تأسیس و تداوم حکومت بر اساس معیارهای دینی، راه‌کار اصلی تحقق کامل نظام معیار اسلامی و مهم‌ترین زمینه اجتماعی و سیاسی لازم برای عینیت یافتن حیات طیبه در همه ابعاد و مراتب است؛
- دینداری (تدین)، پویا، خردورزانه و مداوم آدمی است برای وصول به مراتب حیات طیبه

در همه ابعاد بر مبنای ایمان آگاهانه و اختیاری به خداوند، زندگی اخروی و مضمون پیام هدایت رسولان الهی و التزام عملی به نظام معیار دینی و لذا با داشتن مؤلفه‌های متعدد و مراتب گوناگون در ابعاد فردی و جمعی قابل تحقق است؛

- در حرکت آدمی به سوی تحقق حیات طیبیه، دین حق نه تنها هدف و مقصد، بلکه راه و روش وصول به مقصود را نشان می‌دهد، لذا در تمهید مقدمات تحقق حیات طیبیه می‌توان و باید از تعالیم دینی و معارف مبتنی بر این تعالیم، به خصوص در روند آماده‌سازی افراد جامعه برای این نوع زندگانی حداکثر استفاده را نمود (ایزدی تامه، ۱۳۹۰).

از آنجاکه تربیت عبارت است از کوششی هدف‌مند برای تحول و حرکت آدمی از وضع موجود به وضع مطلوب (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۳)، اینک با مرور بر مبانی یادشده، می‌توانیم همه آنها را با توجه به مقصود اصلی از این بحث (نقش مبانی و تعیین‌کننده‌های بنیادین در نظام تربیت و آموزش مخصوصاً زیرنظام استانداردسازی) در سه محور توصیف واقعیت انسان و موقعیت او در هستی، ترسیم جایگاه شایسته و مطلوب آدمی در هستی و بیان چگونگی وصول به این جایگاه - البته، بنابر جهان‌بینی توحیدی و نظام ارزشی دین اسلام - تنظیم و تلخیص کنیم. لذا در طرح شهید مطهری (فضایلی، ۱۳۹۲) این تلفیق در قالب بیانیه ارزش‌های نظام تربیت و آموزش سازمانی به شرح زیر ارائه شده است این ارزش‌ها باید در تمامی مراحل طراحی و اجرای نظامات تربیت و آموزش سازمانی مد نظر قرار گرفته و در نظامات تسری پیدا کند:

گزاره‌های ارزشی مندرج در بیانیه ارزش‌ها، بایدها و نبایدهایی اساسی است که لازم است تمام اجزا و مؤلفه‌های نظام تربیت و آموزش هماهنگ با آنها بوده و همه سیاست‌گذاران و کارگزاران آموزشی و تربیتی ملتزم و پایبند به اجرا و تأمین آنها در کلیه زیرنظام‌ها، مقاطع و سطوح تربیت و آموزش باشند و در تمامی جهت‌گیری‌ها، اولویت‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و عملکردهای عرصه تربیت و آموزش این ارزش‌ها را مورد توجه قرار دهند، تا اندیشه و رفتار تربیت‌شدگان آن، آراسته و مزین به این ارزش‌ها شود (مرتضوی، ۱۳۷۵). این ارزش‌ها با الهام از آموزه‌های قرآن و سنت معصومین (ع)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رهنمودهای رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) و رهنمودهای مقام معظم رهبری و سند چشم‌انداز بیست‌ساله و سازگار و مستند به مضامین مندرج در اسناد بالادستی نظام تربیت و آموزش سازمانی، تدوین و تنقیح شده است. در این بیانیه ارزش‌ها را می‌توان در پنج حوزه کلی به شرح زیر دسته‌بندی نمود:

الف. ایمان: ایمان، باور مبتنی بر محبت و معرفت نسبت به "خدا، غیب، صفات و عدل الهی، فرشتگان، انبیاء، کتاب‌های آسمانی، امامان و معاد" است که در قلب، زبان و عمل منابع انسانی (فراگیران، اساتید، مربیان، معلمان و کارکنان) نظام تربیت و آموزش تجلی می‌یابد. توحیدمحوری: حاکمیت داشتن جهان‌بینی توحیدی ناب محمدی (ص)، و آموزه‌های قرآن کریم، بر کلیه ابعاد نظام تربیت و آموزش. ولایت‌مداری: نقش اسوه‌ای، معنوی، هدایتی و تربیتی پیامبر و عترت طاهرین (ع)، به‌ویژه امام زمان (عج) و آموزه‌های بنیادین مهدویت و ولایت‌مداری کامل، با اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه و عمل به فرامین، تدابیر، توصیه‌ها و خواست ولی فقیه زمان. آرمان‌ها و اهداف متعالی انقلاب: این آرمان‌ها که برگرفته از مکتب کمال‌جوی اسلام ناب محمدی (ص) می‌باشد، با شوق و گرایش عمیق نسبت به عمل هوشمندانه، قاطعانه، به‌موقع و قدرتمندانه، بدون هیچ خوفی از اقدامات دشمنان و با بی‌اعتنائی به سرزنش مرعوبین و سست‌عنصران، به‌مثابه عزت و شرف و هویت ایرانی اسلامی مورد توجه طراحان نظام تربیت و آموزش خواهد بود. عدالت: منشأ توازن و موااسات در سطوح مختلف فردی و سازمانی و مبنای برخورداری آحاد جامعه از فرصت‌های برابر تربیتی و آموزشی در نظام تربیت و آموزش با رعایت تفاوت‌های فردی، فرهنگی، جغرافیایی و اجتماعی برای تحقق جامعه عدل جهانی و تمدن مهدوی خواهد بود. آخرت‌گرایی: هدف غائی تربیت و آموزش، دستیابی به رضایت خداوند و لقای الهی و حیات طیبه جاویدان، محور پذیرش عارفانه تمام فرامین الهی و آمادگی برای بندگی واقعی قلبی و عملی است.

ب. تعقل: توجه به اصل پرورش، ارتقا و تعمیق انواع و مراتب عقلانیت و تفکر، در همه ساحت‌های تربیت و آموزش فردی و سازمانی. عقلانیت دینی: نقش عقل باتکیه بر فطرت حقیقت‌جو، بنیادی‌ترین هسته و مبنای فهم و تربیت در حوزه تربیت و آموزش، تکریم علم و عالم، ارزشمندی ذاتی علم در نظام ارزشی اسلام. حکمت سیاسی: فهم و بصیرت فردی و سازمانی از دوست و دشمن، بر قراری ارتباط مناسب و اندیشمندانه مبتنی بر آزادگی و آزاداندیشی و تبادل آراء و تضارب افکار (جدال احسن)، در چارچوب جهان‌بینی اسلامی، اصول‌گرایی، تکلیف‌محوری و انضباط، به‌منظور شناخت دوست و دشمن و نحوه مقابله با توطئه‌های دشمنان. بصیرت اجتماعی: تعامل فعال و الهام‌بخش با کلیه مجامع و مراکز تربیتی و آموزشی در محیط داخلی کشور و با فرایندهای علمی، آموزشی و تربیتی کشورهای دوست و جهان اسلام و ملل غیرمعارض با اسلام. خلاقیت: پرورش عقلانی و تقویت خودباوری، نوآوری و خطرپذیری در کلیه عرصه‌های

تربیتی و آموزشی فردی و سازمانی برای تحقق رسالت‌های نظام تربیت و آموزش. تدبیر معیشت: عقلانیت اقتصادی برای زندگی طیب و طاهر به‌دوراز اسراف و تبذیر، کم‌مؤونه و پرمعونه‌بودن فردی، سازمانی و اجتماعی، واقف به اقتصاد اسلامی و اقتصاد مقاومتی.

ج. اخلاق: شایستگی‌ها و ملکات پسندیده‌ای که از طریق تزکیه و خودسازی با انگیزه الهی در رفتار فردی و سازمانی متجلی می‌شود و تعالی‌بخش اندیشه و عمل در سازمان است. محوریت اخلاق: اخلاق محوری آحاد جامعه علمی و نهادهای مرتبط با آن در نظام تربیت و آموزش. تقوا: خاستگاه رشد و تعالی فضائل، رعایت واجبات و ترک محرمات، کرامت انسان در نزد خداوند که موجب برون‌رفت انسان‌ها از دشواری‌هاست. عزت و مدارا: تعامل سازنده با جوامع و سازمان‌های خودی، محبت و مدارا با آحاد جامعه اسلامی و دوستداران انقلاب اسلامی که موجب مقاومت و پایداری در مقابل تمامی استکبار و بهره‌مندی از تمامی توانمندی‌هاست. کرامت: پاسداشت حرمت و مقام والای انسان، نسبت به خویش و دیگران مبتنی بر استعداد خلافت الهی. انفاق و ایثار: ترجیح منافع و مصالح جامعه و کشور بر منافع فردی و صرف امکانات برای ایفای مسئولیت الهی نظام تربیت و آموزش.

د. علم: تکریم منزلت و مقام علم نافع، عالم و متعلم، ضرورت احترام حقوقی و اخلاقی به آفرینش‌های فکری - علمی و ارج نهادن به دستاوردهای علمی و تجربه‌های بشری و بهره‌گیری از آنها در چارچوب نظام ارزشی اسلام و بسترسازی برای دستیابی به مرجعیت علمی در حوزه تربیت و آموزش در منطقه، جهان اسلام و جهان. تفقه در دین: شناخت عقاید، احکام و اخلاق براساس اسلام ناب محمدی (ص) به‌عنوان جهت‌دهنده و تعالی‌بخش تمامی علوم و معارف بشری. معرفت هویتی: خودشناسی و آگاهی تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، جغرافیایی و سیاسی به‌منظور خودباوری ملی و تحلیل صحیح موقعیت ملی و جهانی و نگرش مطلوب. دانش و مهارت ارتباطی: شناخت علم، فن و هنر مدیریت، فرماندهی و فرمانبرداری، آداب معاشرت اسلامی و توانمند در تعامل و رفتار براساس آن در ساختار سازمانی، مناسبات اجتماعی، خانوادگی، ملی و جهانی. دانش و مهارت حرفه‌ای: علم و فناوری مستقل، پیشرفته، خودکفا و خوداتکا، نوآور، کمال‌آفرین، توانمندساز، برترساز و بازدارنده، قدرت‌آفرین و هماهنگ با محیط‌زیست و سلامت معنوی، جسمی، روانی و اجتماعی در حوزه مأموریت‌های نظام تربیت و آموزش.

ه. عمل: مجاهدت مؤمنانه، با انگیزه الهی و شور انقلابی برای انجام تکالیف فردی و اجتماعی

در تمامی عرصه‌های مادی و معنوی نظام تربیت و آموزش. امر به معروف و نهی از منکر: عامل بودن تمامی افراد در نظام تربیت و آموزش به احکام الهی و پرهیز از نواهی، به عنوان وظیفه همگانی، دعوت کننده و آمر به نیکی و ناهی از بدی، در تمامی سطوح و عرصه‌ها. صبر: صابر، متوکل، با اعتماد به نفس بالا و مقاوم بودن تمامی افراد نظام تربیت و آموزش در زندگی فردی و سازمانی، برای تحمل تمامی مشقات و فشارهای سیاسی اقتصادی و نظامی دشمنان. مشارکت: حاکم بودن روحیه تعاون، مسئولیت پذیری، همدلی و صمیمیت جمعی در آحاد نظام تربیت و آموزش. نوشوندگی مستمر: اهتمام بر تغییر و تحول نظام تربیت و آموزش با رصد تغییرات علمی حوزه تربیت و آموزش در جهان و با استفاده از خلاقیت و نوآوری. تعادل: تربیت و آموزش به طور متعادل، متوازن و متناسب با سن و وضعیت روانی - جسمانی متریان، در تمامی ساحت‌های حرفه‌ای، علمی، فناورانه، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، زیستی، بدنی، زیبایی شناختی و هنری با محوریت ساحت‌های اعتقادی، عبادی، اخلاقی و معنویّت و بصیرت. انعطاف پذیری: توانمندی و هوشمندی نظام تربیت و آموزش برای عمل، بنابه اقتضائات و شرائط زمانی و نیازهای جامعه (فضایلی، ۱۳۹۲).

علاوه بر فلسفه و مبانی پنجگانه فوق، چشم‌انداز نظام تربیت و آموزش سازمانی در افق ایران ۱۴۰۴ (بیانیه چشم‌انداز) هم می‌تواند در طراحی زیرنظام‌ها و فرایندهای عملیاتی از جمله زیر نظام استانداردسازی مؤثر باشد. "بیانیه چشم‌انداز، مجموعه‌ای هماهنگ از جهت‌گیری‌ها و اهداف مرحله‌ای تربیت و آموزش است که قابل دستیابی در افق زمانی معین، مثلاً ۱۴۰۴ می‌باشد (فضایلی، ۱۳۹۲). این بیانیه همراستا با بیانیه ارزش‌های نظام تربیت و آموزش سازمانی و درراستا و تراز چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران تدوین شده است که به دلیل محدودیت فضای مقاله از ارائه آن خودداری شده است، ولی در یافته‌های این تحقیق به بیانیه چشم‌انداز هم توجه ویژه شده است.

یکی دیگر از اسناد بالادستی و منابعی که در طراحی نظام تربیت و آموزش و زیر نظام مد نظر این مقاله یعنی استانداردسازی نظام تربیت و آموزش مؤثر است، بیانیه مأموریت است. بیانیه مأموریت، مجموعه محورهای اساسی مأموریتی هستند که متخذ و همراستا با ارزش‌ها و چشم‌انداز تربیت و آموزش تدوین و مرجع اقدامات در تمام اجزای نظام تربیت و آموزش است. مخاطبین (متریان) مستقیم تربیت و آموزش، کارکنان این نظام درگستره ایران اسلامی و در تمامی حوزه‌های مأموریتی، به صورت نظام‌مند و در تمام ابعاد می‌باشند.

روش‌شناسی پژوهش

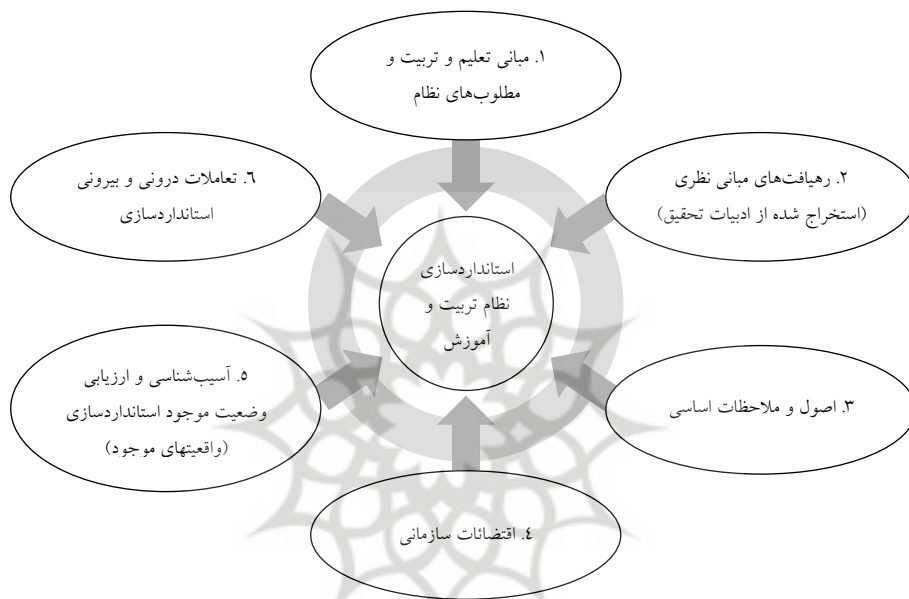
این تحقیق از جهت هدف، کاربردی و از نظر روش توصیفی - تحلیلی و از جمله تحقیقات کیفی - اکتشافی است. هدف اصلی تحقیق تعیین مؤلفه‌های مؤثر در استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی و تعیین نقش و نیز نوع تأثیر آنها در استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی بود. سؤال‌های جزئی تحقیق عبارتند از: ۱. مؤلفه‌های مؤثر در استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی کدامند؟ ۲. تأثیر مبانی و مطلوب‌های نظام تربیت و آموزش در مراحل و فرایندهای زیر نظام استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی چیست؟ ۳. نوع تأثیر مبانی و مطلوب‌های نظام تربیت و آموزش در مراحل و فرایندهای زیرنظام استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی چگونه است؟ جامعه تحقیق در بخش مطالعات کتابخانه‌ای اسناد بالادستی تحقیق و کتب، مقالات و پروژه‌های مرتبط با موضوع و در بخش داده‌های تحقیق متخصصین و خبرگان حوزه تعلیم و تربیت سازمانی بودند. نمونه تحقیق ۱۰ نفر از جامعه تحقیق بودند که همگی جزو مدیران، ناظران و مجریان طرح شهید مطهری (طراحی نظام جامع تربیت و آموزش سازمانی) بودند که با روش هدف‌مند (مشارکت در طرح شهید مطهری)، انتخاب شدند. در این تحقیق پس از گردآوری اطلاعات شامل مبانی نظری، پیشینه و اسناد بالادستی با روش مطالعات کتابخانه‌ای، با استفاده از گروه کانونی به عنوان نمونه تحقیق، تعیین‌کننده‌های بنیادین نظام تربیت و آموزش سازمانی که در استانداردسازی نظام تربیت و آموزش مؤثرند؛ شامل: ادبیات حوزه استانداردسازی، مبانی دینی و فلسفی، مبانی هستی‌شناختی، مبانی انسان‌شناختی، مبانی معرفت‌شناختی، مبانی ارزش‌شناختی، مبانی روان‌شناختی، مبانی زیست‌شناختی، مبانی سازمانی، مبانی اجتماعی، مبانی فن‌شناختی، مبانی سرمایه‌گذاری و مطلوب‌های نظام تربیت و آموزش با روش اجماع نظر خبرگان (گروه کانونی تحقیق)، استخراج شد. پس از استخراج تعیین‌کننده‌های بنیادین که در استانداردسازی نظام تربیت و آموزش مؤثر هستند، نحوه تأثیر این مبانی و تعیین‌کننده‌ها و نوع تأثیر آنها پس از اجماع نظر گروه کانونی (نمونه تحقیق)، استخراج و ارائه شده است.

یافته‌های پژوهش

پاسخ سؤال اول تحقیق: مؤلفه‌های مؤثر در استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی کدامند؟

از آنجاکه در طراحی و تدوین زیرنظام استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی، مانند هر نظام دیگری، ضمن توجه و بهره‌برداری از مبانی نظری و ادبیات استانداردسازی آموزشی، باید نقش تأثیرگذار مبانی و مطلوب‌ها به‌طور دقیق و واقع‌بینانه مورد بررسی قرار گرفته و در طراحی مدل مفهومی و طراحی فرایندهای استانداردسازی مورد توجه قرار گیرد، لذا در این تحقیق پس از بررسی ادبیات و مبانی نظری، مؤلفه‌هایی برای بهره‌برداری در طراحی مدل و فرایند مطلوب استانداردسازی نظام تربیت و آموزش که برای طراحی مدل و فرایندهای مطلوب استانداردسازی نظام تربیت و آموزش مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند "در گام اول با روش مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی اسناد بالادستی" استخراج شد. مؤلفه‌های مدل مفهومی استانداردسازی نظام تربیت و آموزش که شامل مبانی تعلیم و تربیت و مطلوب‌های نظام، رهیافت‌های مبانی نظری و اصول استانداردسازی، ملاحظات اساسی خاص طراحی، اقتضائات سازمانی، سند چشم‌انداز در بعد سازمانی، رسالت و مأموریت سازمان، دکترین کلان، راهبردهای سرمایه‌های انسانی سازمان، انواع شایستگی‌های سرمایه انسانی سازمان، جایگاه استانداردسازی در نظام، سند انتظار نظام استانداردسازی آموزشی، آسیب‌شناسی و ارزیابی وضع موجود استانداردسازی آموزشی در نظام تربیت و آموزش، تعاملات درونی و بیرونی زیرنظام استانداردسازی بود، در جلسات کارشناسی گروه کانونی (اعضای نمونه تحقیق)، با روش اجماع نظر خبرگان مورد بررسی و تأیید قرار گرفت؛ به این صورت که پس از مباحث مختلف و اجماع نظر خبرگان در هر کدام از موارد، در نهایت شش مؤلفه مبانی تعلیم و تربیت و مطلوب‌های نظام جامع تربیت و آموزش، رهیافت‌های مبانی نظری که از ادبیات تحقیق به دست می‌آیند، اصول و ملاحظات اساسی طراحی نظام استانداردسازی آموزشی، اقتضائات خاص سازمانی یا نهادی، آسیب‌شناسی و ارزیابی وضع موجود استانداردسازی آموزشی نظام تربیت و آموزش، تعاملات درونی و بیرونی استانداردسازی نظام تربیت و آموزش، به عنوان مؤلفه‌های نهایی تأثیرگذار در طراحی زیرنظام استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی، تعیین شدند. لذا در یک جمع‌بندی از مبانی نظری و پیشینه و اجماع نظر گروه کانونی

(نمونه تحقیق)، طراحی و تدوین مدل مفهومی فرایند استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی متأثر از عوامل و مؤلفه‌های شش‌گانه شکل ۱ است که محورهای اصلی طراحی الگوی استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی را تشکیل می‌دهند.



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق شامل مؤلفه‌های مؤثر در استانداردسازی نظام تربیت و آموزش (یافته تحقیق)

پاسخ سؤال دوم تحقیق: تأثیر مبانی و مطلوب‌های نظام تربیت و آموزش در مراحل و فرایندهای زیرنظام استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی چیست و محل این تأثیرها کجاست؟

مبانی فلسفی به‌مانند ملاک و معیاری برای قضاوت و گزینش نظریه‌های علمی در نظام تربیت و آموزش و نیز زیرنظام استانداردسازی عمل می‌نماید. شکل‌گیری زیرنظام استانداردسازی تربیت و آموزش باید بر پایه مبانی دینی و فلسفی، روان‌شناختی، زیست‌شناختی، فن‌شناختی و علمی - پژوهشی باشد. به‌گونه‌ای که نقش و تأثیر این مبانی به‌صورت منطقی و معقول در اجزاء و عناصر زیرنظام استانداردسازی تربیت و آموزش، مشهود و محرز باشد. لذا در ادامه بحث سعی شده است

تا تأثیر مبانی و مطلوب‌های نظام تربیت و آموزش بر زیرنظام استانداردسازی تربیت و آموزش به‌عنوان یک زیرنظام از نظام تربیت و آموزش، در قالب عناصر و اصولی که در ادامه بحث معرفی خواهند شد، بیان و ارائه شود. ضمن آنکه، چگونگی و محل تأثیر این اصول و مبانی و عناصر در طراحی زیرنظام استانداردسازی تربیت و آموزش به تفکیک ابعاد و ویژگی‌های هر مبانی در جداول (۲ و ۳) نشان داده شده است. اما قبل از آن باید مبانی و تعیین‌کننده‌های بنیادین، مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌ها و ویژگی‌های هر کدام، همچنین فرایندهای استانداردسازی نظام تربیت و آموزش و عناصر و مؤلفه‌های استانداردسازی، معرفی شده و مورد تأیید و اجماع نظر گروه کانونی (نمونه تحقیق) قرار گیرند. مبانی و تعیین‌کننده‌های بنیادین، مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های آنها شامل: مبانی دینی و فلسفی (هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی)، مبانی روان‌شناختی (قدرت‌یادگیری، هوش، انگیزه، استعداد، مبانی زیست‌شناختی (سلامتی، غدد، بیماری‌ها، حواس، مبانی سازمانی - اجتماعی (فرهنگ، جامعه‌پذیری، ارزش‌ها، راهبردها)، مبانی فن‌شناختی (یادگیری الکترونیکی، فراگیرمحوری، آموزش از راه دور، خود راهبری)، مبانی سرمایه‌گذاری (هزینه - فایده) و مطلوب‌های نظام (ارزش‌ها، چشم‌انداز، بیانیه مأموریت) هستند. فرایندهای استانداردسازی نظام تربیت و آموزش شامل شش فرایند فرعی شامل: نیازسنجی استانداردها، تدوین پیش‌نویس یا پیش‌نویس‌های استاندارد، بررسی پیش‌نویس‌های تهیه‌شده در کمیته فنی، اعتباریابی پیش‌نویس انتخاب‌شده، پذیرش و تأیید نهایی پیش‌نویس استاندارد و انتشار و بهره‌برداری سند استاندارد می‌باشد که در جدول ۱ توضیح داده شده است. همچنین عناصر و مؤلفه‌های استانداردسازی در جدول ۲ ارائه شده‌اند. همان‌طور که در بخش روش‌شناسی و ارائه مدل مفهومی تحقیق توضیح داده شد، هم مبانی و مؤلفه‌های اصلی و فرعی مؤثر بر استانداردسازی، هم ویژگی‌های هر کدام از مؤلفه‌های اصلی و فرعی، هم فرایندهای فرعی نظام استانداردسازی و هم عناصر و مؤلفه‌های استانداردسازی پس از استخراج از مبانی نظری، پیشینه و اسناد بالادستی در جلسات کارشناسی گروه کانونی (نمونه تحقیق) مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و پس از انجام اصلاحات لازم با روش اجماع نظر خبرگان مورد تأیید قرار گرفته است. نتایج این بخش در سطر و ستون‌های جداول ۱ و ۲ ارائه شده است. پس از تأیید عناصر سطر و ستون‌های جداول ۱ و ۲ توسط گروه کانونی، با توجه به مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های تأثیرگذار بر استانداردسازی نظام تربیت و آموزش و ویژگی‌های هر کدام از آنها، در رابطه با اینکه هر کدام از این مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌ها بر کدام یک از فرایندهای

فرعی و عناصر و مؤلفه‌های استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی، مؤثر هستند، بررسی‌های لازم توسط گروه کانونی انجام شد که پس از بحث و بررسی‌های فراوان و ارائه مصادیق مختلف، تأثیر یا عدم تأثیر هر کدام از مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌ها بر فرایندهای فرعی استانداردسازی و عناصر و مؤلفه‌های استانداردسازی، مورد تصویب اکثریت گروه کانونی تحقیق قرار گرفت که نتایج این بررسی‌ها در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۱. فرایندهای اصلی و فرعی استانداردسازی نظام تربیت و آموزش

فرایند اصلی	فرایندهای فرعی نظام استانداردسازی
استانداردسازی نظام تربیت و آموزش	فرایند نیازسنجی استانداردها فرایند تدوین پیش‌نویس یا پیش‌نویس‌های استاندارد فرایند بررسی پیش‌نویس‌های تهیه‌شده در کمیته فنی فرایند اعتباریابی پیش‌نویس انتخاب‌شده فرایند پذیرش و تأیید نهایی پیش‌نویس استاندارد فرایند انتشار و بهره‌برداری سند استاندارد

جدول ۲. تأثیرات مبانی و تعیین‌کننده‌های بنیادین در مراحل و فرایندهای استانداردسازی

بنیادین و تعیین‌کننده‌های بنیادین: دینی و فلسفی	مؤلفه‌ها	ویژگی‌ها	فرایندهای استانداردسازی			
			پیشنهاد استاندارد (نیازسنجی)	تهیه پیش‌نویس (طراحی و تدوین اولیه)	ارزیابی و آزمون (بررسی پیش‌نویس استاندارد)	تایید نهایی استاندارد انتشار استاندارد
	هستی شناسی	خداوند مبدأ و منتهای هستی خداوند خیر و کمال محض	✓	✓	✓	✓
	انسان شناسی	کرامت ذاتی انسان سیر تکاملی انسان تعامل نفس و بدن انسان فطرت الهی انسان عقل انسان اراده و اختیار انسان	✓	✓	✓	✓
	معرفت شناسی	ارتباط با امر مورد مطالعه تکیه بر شواهد جامع‌نگری تکیه بر حقایق کثرت‌گرایی و وحدت‌گرایی در آموزش علوم فرضیه‌پرور	✓	✓	✓	✓

ادامه جدول ۲. تأثیرات مبانی و تعیین‌کننده‌های بنیادین در مراحل و فرایندهای استانداردسازی

فرایندهای استانداردسازی					ویژگی‌ها	مؤلفه‌ها	مبانی و تعیین‌کننده‌های بنیادین
انتشار استاندارد	تایید نهایی استاندارد	ارزیابی و آزمون (بررسی پیش نویس استاندارد)	تهیه پیش نویس (طراحی و تدوین اولیه)	پیشنهاد استاندارد (نیازسنجی)			
✓	✓	✓	✓	✓	اعتباریابی و اعتبارسازی در ارزش‌ها درک سلسله مراتبی از ارزش‌ها حفظ و ارتقای کرامت تأمین آزاداندیشی برقراری عدالت تربیتی	ارزش‌شناسی	دینی و فلسفی
✓	✓	✓	✓	✓	قدرت یادگیری فراگیران	قدرت یادگیری	روان‌شناختی
✓	✓	✓	✓	✓	هوش فراگیران	هوش	
✓	✓	✓	✓	✓	انگیزه و استیاق فراگیران	انگیزه	
✓	✓	✓	✓	✓	استعداد تحصیلی فراگیران	استعداد	
✓	✓	✓	✓	✓	توجه ویژه به سلامتی فراگیران	سلامتی	زیست‌شناختی
✓	✓	✓	✓	✓	توجه به رشد و خصوصیات غدد در بزرگسالان	غدد	
✓	✓	✓	✓	✓	در نظر گرفتن بیماری‌های سنین بزرگسالی و عوارض آنها	بیماریها	
✓	✓	✓	✓	✓	توجه به قدرت و توانایی حواس در بزرگسالان	حواس	
✓	✓	✓	✓	✓	تعالی معنوی عدالت‌محوری ولایت‌مداری بصیرت سیاسی یادگیری سازمانی شجاعت و خطرپذیری خلاقیت و نوآوری انعطاف‌پذیری رهبری و حمایت‌مدیریتی رسالت‌محوری، یکپارچگی انقلابی‌بودن، راهبردمحوری تکلیف‌گرایی شایسته‌سالاری روابط انسانی و کار گروهی قانون‌مداری	فرهنگ	سازمانی - اجتماعی

ادامه جدول ۲. تأثیرات مبانی و تعیین‌کننده‌های بنیادین در مراحل و فرایندهای استانداردسازی

فرایندهای استانداردسازی					ویژگی‌ها	مؤلفه‌ها	مبانی و تعیین‌کننده‌های بنیادین
انتشار استاندارد	تایید نهایی استاندارد	ارزیابی و آزمون (بررسی پیش نویس استاندارد)	تهیه پیش نویس (طراحی و تدوین اولیه)	پیشنهاد استاندارد (نیازسنجی)			
✓	✓	✓	✓	✓	نظم و انضباط وجدان کاری هویت و تعهد سازمانی سازگاری با محیط همبستگی سازمانی حرفه‌گرایی	جامعه‌پذیری	سازمانی - اجتماعی
		✓	✓	✓	یاددادن و یادگرفتن به‌عنوان یک ارزش حفظ و تقویت اعتماد به‌نفس فراگیر ارزش‌های اخلاقی و اسلامی	ارزش‌ها	
		✓	✓	✓	یادگیری فردی و جمعی یادگیری‌های تجربی و خودگردان رویکرد آموزش مادام‌العمر افزایش ظرفیت و توان یادگیری	راهبردها	
✓	✓	✓	✓	✓	تأمین امکانات سخت‌افزاری تأمین مربیان ماهرتر از فراگیران رعایت اصول حفاظتی و اطلاعاتی	یادگیری الکترونیکی	فردی - اجتماعی
		✓	✓	✓	توجه به عوامل فردی فراگیران زمینه‌سازی یادگیری مادام‌العمر	فراگیر محور	
✓	✓	✓	✓	✓	محیط‌های یادگیری بر پایه ICT تهیه محتوای دوره‌های آموزشی براساس ICT ICT زمینه‌ساز تحول و نوآوری در کار آموزش رعایت اصول حفاظتی و اطلاعاتی	آموزش از راه دور	
		✓	✓	✓	حرکت از معلم محوری به خود راهبری در آموزشی	خودراهبر	
✓	✓	✓	✓	✓	آموزش سرمایه‌گذاری در سرمایه‌های انسانی شامل فرهنگی اجتماعی و تخصصی است لذا بازگشت مناسبی دارد	هزینه - فایده	سرمایه‌گذاری

ادامه جدول ۲. تأثیرات مبانی و تعیین‌کننده‌های بنیادین در مراحل و فرایندهای استانداردسازی

فرایندهای استانداردسازی					ویژگی‌ها	مؤلفه‌ها	مبانی و تعیین‌کننده‌های بنیادین
انتشار استاندارد	تایید نهایی استاندارد	ارزیابی و آزمون (بررسی پیش نویس استاندارد)	تهیه پیش نویس (طراحی و تدوین اولیه)	پیشنهاد استاندارد (نیازسنجی)			
✓	✓	✓	✓	✓	انعطاف‌پذیری دانش و مهارت ارتباطی دانش و مهارت حرفه‌ای مشارکت انضباط سازمانی و فردی نوشوندگی مستمر تبادل خلاقیت	ارزش‌ها	مطالعات نظام
✓	✓	✓	✓	✓	توانمندی‌های تربیتی و آموزشی سازمانی و فردی خودکفا و خوداتکا پژوهش محور و دانش بنیان تحول‌آفرین در آینده	چشم‌انداز	
		✓	✓	✓	تربیت و آموزش فراگیران از حوزه‌های مختلف	بیانیه مأموریت	

جدول ۳. تعیین محل تأثیرات مبانی و تعیین‌کننده‌های بنیادین بر هریک از عناصر و مؤلفه‌های استانداردسازی

عناصر و مؤلفه‌های استانداردسازی								ویژگی‌ها	مؤلفه	مبانی و تعیین‌کننده‌های بنیادین
مراحل استانداردسازی	الگوها و روش‌های استانداردسازی	معیارهای مؤثر در انتخاب منابع و مراجع پایه استاندارد	منابع اطلاعاتی (مراجع و منابع غیر استاندارد)	منابع اطلاعاتی (مراجع و منابع استاندارد)	اصول و الزامات تدوین و بازنگری استانداردها	اهداف استانداردسازی	آموزشی			
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	خداوند مبداء و منتهای هستی خداوند خیر و کمال محض	هستی‌شناسی	دینی و فلسفی
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	کرامت ذاتی انسان سیر تکاملی انسان تعامل نفس و بدن انسان فطرت الهی انسان عقل انسان اراده و اختیار انسان	انسان‌شناسی	
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	ارتباط با امر مورد مطالع تکیه بر شواهد جامع‌نگری تکیه بر حقایق کثرت‌گرایی و وحدت‌گرایی در آموزش علوم فرضیه‌پروری	معرفت‌شناسی	
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	اعتباریابی و اعتبارسازی در ارزش‌ها درک سلسله‌مراتبی از ارزش‌ها حفظ و ارتقای کرامت انسانی تأمین آزاد اندیشی برقراری عدالت تربیتی	ارزش‌شناسی	
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	قدرت یادگیری فراگیران	قدرت یادگیری	روان‌شناختی
					✓	✓	✓	هوش فراگیران	هوش	
					✓	✓	✓	انگیزه و استیاق فراگیران	انگیزه	
					✓	✓	✓	استعداد تحصیلی فراگیران	استعداد	
					✓	✓	✓	توجه ویژه به سلامتی فراگیران	سلامتی	زیست‌شناختی
					✓	✓	✓	توجه به رشد و خصوصیات غدد در بزرگسالان	غدد	
					✓	✓	✓	در نظر گرفتن بیماری‌های سنین بزرگسالی و عوارض آنها	بیماریها	
					✓	✓	✓	توجه به قدرت و توانایی حواس در بزرگسالان	حواس	

ادامه جدول ۳. تعیین محل تأثیرات مبانی و تعیین کننده‌های بنیادین بر هریک از عناصر و مؤلفه‌های استانداردهای استانداردسازی

مراحل استانداردسازی	عناصر و مؤلفه‌های استانداردهای استانداردسازی							ویژگی‌ها	مؤلفه	بنیادی و تعیین کننده‌های بنیادین
	الگوها و روش‌های استانداردسازی	معیارهای مؤثر در انتخاب منابع و مراجع پایه استاندارد	منابع اطلاعاتی (مراجع و منابع غیر استاندارد)	منابع اطلاعاتی (مراجع و منابع استاندارد)	اصول و الزامات تدوین و بازنگری استانداردها	اهداف استانداردسازی	آموزشی			
								تعالی معنوی عدالت‌محوری ولایت‌مداری بصیرت سیاسی یادگیری سازمانی اخلاقیت و نوآوری انعطاف‌پذیری رهبری و حمایت‌مدیریتی رسالت‌محوری، یکپارچگی انقلابی‌بودن، راهبردمحوری تکلیف‌گرایی شایسته‌سالاری روابط انسانی و کارگروهی قانون‌مداری	فرهنگ	سازمانی - اجتماعی
								نظم و انضباط وجدان کاری هویت و تعهد سازمانی سازگاری با محیط همبستگی سازمانی حرفه‌گرایی	جامعه‌پذیری	
								یاد دادن و یادگرفتن به‌عنوان یک ارزش سازمانی حفظ و تقویت اعتماد بنفس فراگیر ارزش‌های اخلاقی و اسلامی	ارزش‌ها	
								یادگیری فردی و جمعی یادگیری‌های تجربی و خودگردان رویکرد آموزش مادام‌العمر افزایش ظرفیت و توان یادگیری	راهبردها	
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	تأمین امکانات سخت‌افزاری تأمین مربیان ماهرتر از فراگیران	یادگیری الکترونیکی	فراگیرمحور
					✓	✓	✓	توجه به عوامل فردی فراگیران زمینه‌سازی یادگیری مادام‌العمر		

ادامه جدول ۳. تعیین محل تأثیرات مبانی و تعیین‌کننده‌های بنیادین بر هریک از عناصر و مؤلفه‌های استانداردسازی

مراحل استانداردسازی	عناصر و مؤلفه‌های استانداردسازی							ویژگی‌ها	مؤلفه	مبانی و تعیین‌کننده‌های بنیادین
	الگوها و روش‌های استانداردسازی	معیارهای مؤثر در انتخاب منابع و مراجع پایه استاندارد	منابع اطلاعاتی (مراجع و منابع غیر استاندارد)	منابع اطلاعاتی (مراجع و منابع استاندارد)	اصول و الزامات تدوین و بازنگری استانداردها	اهداف استانداردسازی	آموزشی			
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	محیط‌های یادگیری بر پایه ICT تهیه محتوای دوره‌های آموزشی براساس ICT زمینه‌ساز تحول و نوآوری در کار آموزش	آموزش از راه دور	فناشناسی
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	حرکت از معلم محوری به خود راهبری در آموزشی	خود راهبر	
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	آینده‌پژوهی، آینده‌نگاری و آینده‌سازی	آینده‌نگری	
					✓	✓	✓	تقویت فروتنی و داشتن روحیه تواضع و پذیرش و اجرای فرامین	قانون‌مندی	
							✓	آموزش سرمایه‌گذاری در سرمایه‌های انسانی شامل فرهنگی اجتماعی و تخصصی است لذا بازگشت مناسبی دارد	هزینه - فایده	سرمایه‌گذاری
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	دانش و مهارت ارتباطی دانش و مهارت حرفه‌ای مشارکت نوشوندگی مستمر تعادل خلاقیت	ارزش‌ها	مطلوب‌های نظام
	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	توانمندی‌های تربیتی و آموزشی سازمانی و فردی جایگاه اول علم و فناوری تربیتی و آموزشی در سطح منطقه پژوهش‌محور و دانش بنیان تحول‌آفرین در آینده	چشم‌انداز	
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	تربیت و آموزش فراگیران از حوزه‌های مختلف	بیانیه مأموریت	

پاسخ سؤال سوم تحقیق: نوع تأثیر مبانی و مطلوب‌های نظام تربیت و آموزش در مراحل و فرایندهای زیر نظام استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی چگونه است؟

با بررسی مبانی و تعیین‌کننده‌های بنیادین نظام تربیت و آموزش و نحوه تأثیر این مبانی و تعیین‌کننده‌ها در استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی، با توجه به یافته‌های سؤال اول و دوم تحقیق، نوع و شیوه تأثیر مبانی و مطلوب‌های نظام تربیت و آموزش در مراحل، فرایندها و عناصر زیر نظام استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی با استفاده از اجماع‌نظر خبرگان (گروه کانونی یا نمونه تحقیق) به شرح زیر استخراج و تأیید شد:

الف. تأثیر بعد هستی‌شناسی مبانی دینی و فلسفی

۱. براساس مبانی هستی‌شناسی، خداوند، محور و کانون هستی است و تمام موجودات در مسیر حیات خود فطرتاً سیر الی‌الله خواهند داشت و در این راه نیز باید تربیت و رشد یابند، لذا در زیرنظام مربوطه، استانداردهای رشد و تعالی انسان‌ها نیز باید هدف و ملاک الهی داشته باشد.

۲. براساس فلسفه تربیتی اسلامی (واقع‌گرایی اسلامی) بر مبنای اصول هستی‌شناسی، توجه به واقعیات محیطی در اولویت مطالعات و آموزش قرار دارد، لذا در این زیرنظام نیز واقعیات آشکار و استعداد و ظرفیت وجودی انسان‌ها در اولویت قرار می‌گیرند.

۳. با توجه به تحول دائمی در جهان هستی و محیط اجتماعی مرتبط با آن، سازمان‌ها نیز دائماً در حال رشد و توسعه و دگرگونی می‌باشند، لذا در زیرنظام استانداردسازی، لازم است اصل تغییر و پویایی مورد توجه و لحاظ قرار گیرد و استانداردها هرازچندگاهی به‌روزرسانی شوند.

۴. با توجه به اینکه ابدیت و ازلیت فقط مخصوص خداوند است و واقعیتهای موجود در جهان هستی و تمامی اجتماعات سازمان‌یافته مرتبط به عالم مادی، محدود، پایان‌پذیر و فناشدنی‌اند؛ لذا توجه به غایت و هدف فراسوی طبیعت مادی و ثابت، به‌عنوان یک اصل اساسی رشد و تعالی انسان‌ها به‌سوی خداوند، در زیرنظام مربوطه، مورد توجه قرار گرفته و رویکرد آینده‌پژوهانه در فرایند استانداردسازی تربیتی و آموزشی مدنظر قرار گیرد.

۵. نظام آفرینش و محیط پیرامونی آن محدود به طبیعت و عوامل مادی نمی‌شود، لذا در زیرنظام استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی، توجه به زمینه‌ها و عوامل درونی و روحی مخاطبان به‌عنوان یک اصل مهم تربیتی و آموزشی باید مورد توجه قرار گیرد.

ب. تأثیر بعد انسان‌شناسی مبانی دینی و فلسفی

۱. انسان موجودی است متشکل از جسم و روح که به یکدیگر تنیده شده و در تعامل با یکدیگر می‌باشند، لذا در زیرنظام استانداردسازی، هر دو بعد جسمی و روحی و روانی انسان باید مورد توجه قرار گیرد.

۲. انسان در نظام آفرینش از کرامت الهی برخوردار بوده و اشرف مخلوقات است، لذا در این زیرنظام، باید ارزش وجودی او در ارتباط با رشد کرامت و منزلت انسانی - الهی، مد نظر باشد.

۳. انسان موجودی صاحب اختیار در تعیین سرنوشت خویش است که می‌تواند مستقل از عواملی چون محیط و وراثت، هویت خویش را رقم بزند. انسان مجبور در اختیار و مختار در عمل است و براساس انتخاب خود می‌تواند هویت خویش را تعریف کند، لذا، استانداردها در فرایند استانداردسازی به گونه‌ای باید انتخاب شوند که موجب سلب اختیار و آزادی مشروع انسان‌ها نشوند.

۴. وجود انسان، همواره در حال تغییر، حرکت و دگرگونی است، لذا توجه به دگرگونی‌های دائمی و تدریجی در استانداردسازی باید مورد توجه قرار گیرد.

۵. انسان موجودی است که استعدادهای متنوع، قابل رشد و تعالی مداوم دارد، لذا باید در استانداردسازی تربیتی و آموزشی به میزان رشد و تحول دائمی هوش، استعداد، خلاقیت و... سرمایه انسانی توجه شود.

۶. هویت آدمی دو وجه فردی و جمعی دارد که در انواع و جنبه‌های مختلف تحقق می‌یابد، لذا باید به ویژگی‌های رفتاری مرتبط با هر دو هویت انسان توجه اساسی شود.

۷. انسان موجودی مکلف است و نسبت به تکالیف خود، اصالتاً در برابر خداوند و به تبع آن در برابر دیگران مسئولیت دارد، لذا باید جنبه‌های تکلیف‌گرایی و مسئولیت‌پذیری وی مورد توجه قرار گیرد.

۸. از آنجا که انسان‌ها از نیازهای مادی و معنوی به صورت توأمان برخوردارند (ملکی، ۱۳۸۷)، لذا باید از استانداردهای متناسب با نیازهای درون و برون انسان، استفاده شود.

ج) تأثیر بعد معرفت‌شناسی مبانی دینی و فلسفی

۱. براساس مبانی معرفت‌شناسی، علم دارای ویژگی اکتسابی و ساختنی است. با توجه به این ویژگی علم، دستاورد عالم است که با اندیشه و فرضیه‌پردازی در ساختن آن دخیل است. بنابراین،

اگر قرار باشد جریان تعلیم و تربیت به هدف اندیشیدن منجر شود، باید فراگیران را حین آموختن علم به فرضیه‌پروری و نظریه‌پردازی سوق داد. با این بیان، لازم است در حوزه استانداردهای راهبردهای یاددهی - یادگیری، این اصل مورد توجه قرار گیرد.

۲. باتوجه به اینکه واقعیات عالم و علم و معرفت به آن دارای سطوح و اقسام مختلف و متعدد می‌باشند، لذا باید با جامع‌نگری، تمام سطوح پایین تا بالای دانش بشری مورد توجه قرار گیرند.

د. تأثیر بعد ارزش‌شناسی مبانی دینی و فلسفی

۱. از آنجاکه ارزش‌ها، دارای انواع مطلق، متغیر و مشروط می‌باشند، لذا توجه به اصل درک سلسله‌مراتبی ارزش‌ها با اولویت ارزش‌های برتر، باید در نظر گرفته شود.

۲. براساس مبانی ارزش‌شناسی، ارزش‌ها در عین اعتباری بودن، با واقعیت‌ها نیز متناظرند. به این معنا که ارزش‌ها صرفاً براساس ذهنیات افراد نمی‌توانند دارای اعتبار باشند و ارزش تلقی شوند، بلکه لازم است برخی حقایق و واقعیت‌ها نیز در نظر گرفته شوند. بر همین اساس در جریان تعلیم و تربیت، باید علاوه بر اینکه جنبه اعتباری وظایف و تکالیف ارزشی به کمک پشتوانه حقیقی آنها بازشناسی می‌شود، لازم است امکان نائل شدن خود فرد به اعتبارها و ساختن آنها برای وی فراهم شود. در حقیقت اعتباریابی و اعتبارسازی در استانداردهای موضوعات ارزش‌شناسی باید با همدیگر مورد توجه قرار گیرند.

۳. باتوجه به اینکه پایه و اساس اخلاق و ارزش‌های اخلاقی، خودشناسی به همراه خداشناسی است، لذا در استانداردهای ارزشیابی آموزشی، باید زمینه‌های خودارزیابی را برای افراد فراهم نمود.

ه. تأثیر مبانی روان‌شناختی

۱. قدرت و توانایی یادگیری متفاوت در انسان، استانداردهای تربیتی و آموزشی متنوع و متعدد را در ابعاد و جنبه‌های مختلف فراگیری و یادگیری در زمینه‌های روش، سرعت و نوع یادگیری طلب می‌نماید که در جریان تعلیم و تربیت باید مورد توجه قرار گیرد.

۲. از آنجاکه توانایی‌های هوشی انسان‌ها متفاوت است و همین امر، زمینه‌های رشد و تعالی افراد را در حوزه‌های گوناگون موجب می‌شود، لذا لازم است استانداردهای تهیه‌شده، متناسب با این ویژگی‌ها باشند.

۳. براساس مبانی روان‌شناختی، بروز و ظهور استعدادهای درونی انسان به تناسب مراحل رشدی

وی متفاوت بوده و در ابعاد مختلف وجودی انسان اتفاق می‌افتد. لذا این موضوع باید در استانداردسازی منابع انسانی، در نظر گرفته شود.

و. تأثیر مبانی زیست‌شناختی

۱. شرایط جسمانی و تندرستی افراد، در میزان شناخت و یادگیری او مؤثر است. براین اساس در زیرنظام استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی، در بخش استانداردسازی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، باید از شاخصه‌های متناسب با ویژگی‌های جسمانی افراد و روش‌های متناسب همچون روش عملی و مشاهده استفاده نمود.

۲. از آنجا که فرایندهای شناختی، از عملکرد ساده حواس پنجگانه ظاهری آغاز و به دریافت و استنتاج پیچیده انتزاعی و عقلانی می‌رسد، لازم است در زیرنظام استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی، از فرایند استانداردسازی با رویکرد جامع، مشتمل بر استانداردسازی کلیه حوزه‌های نظام تربیت و آموزش بهره جست.

۳. با توجه به اینکه بیماری‌های مختلف همچون پیرگوشی، پیرچشمی و... می‌تواند کاهش میزان یادگیری را در افراد بزرگسال موجب شود، لذا در زیرنظام استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی و در تدوین استانداردها توجه به ویژگی‌های این دسته از افراد، ضروری و الزامی است.

ز. تأثیر مبانی سازمانی - اجتماعی

۱. براساس مبانی جامعه‌شناختی، عناصر مرتبط با فرهنگ جامعه و سازمان، از مبانی معتبر استانداردسازی آموزشی می‌باشند، لذا در زیرنظام استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی باید به مؤلفه‌های فرهنگ اسلامی و فرهنگ سازمانی خاص سازمان‌های دولتی توجه شود.

۲. توجه به کلیه عناصر فرهنگی جامعه و سازمان اعم از عام، تخصصی و ابداعی در استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی ضروری است.

۳. براساس مبانی جامعه‌شناختی دینی، اسلام در پی ایجاد جامعه‌ای پویا، مجاهد، مسئول و اثرگذار در زندگی بشریت است (شریعتمداری، ۱۳۷۴)، لذا اهداف و ویژگی‌های مرتبط با آن باید در فرایند، اهداف، رویکرد و روش استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی، مورد توجه قرار گیرد.

۴. از آنجا که براساس مبانی جامعه‌شناختی تربیتی، نظام تربیت و آموزش در پی ایجاد رابطه تعاملی با جامعه، سازمان و استعلای فردی و اجتماعی است، ایجاد و ارتقای رابطه تعاملی باید از

اهداف اساسی استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی باشد.

۵. از آنجاکه براساس مبانی جامعه‌شناختی تربیتی، تربیت افرادی جامعه‌پذیر و اصلاح‌هنجارهای نامطلوب در جامعه و سازمان از اهداف اساسی نظام تربیت و آموزش است، استانداردهای مرتبط با جامعه‌پذیری و اصلاح‌هنجارهای نامطلوب باید در اولویت زیرنظام استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی قرار گیرند.

۶. براساس مبانی جامعه‌شناختی - سازمانی، سازمان‌ها همانند جامعه دارای فرهنگ و به‌ویژه خرده‌فرهنگ‌های متعددی هستند، لذا زیرنظام استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی، در برخورد با خرده‌فرهنگ‌های سازمان باید نقش فعال، وحدت‌گرا و تعالی‌بخش ایفا نماید.

۷. از آنجاکه براساس مبانی جامعه‌شناختی-سازمانی، مراکز آموزشی زمینه‌ساز کسب نخستین تجربه اجتماعی - سازمانی از طریق فراهم کردن شرایط برای ارتباط مناسب فراگیران با یکدیگرند، این امر باید در استانداردسازی فضاهای فیزیکی و کالبدی نظام تربیت و آموزش سازمانی، مد نظر قرار گیرد.

ح. تأثیر مبانی فن‌شناختی

۱. از آنجاکه فناوری اطلاعات و ارتباطات تمام جنبه‌های حیات اجتماعی و از جمله سازمان‌ها را متحول کرده و به تبع آن نظام تربیت و آموزش نیز از این فناوری‌ها تأثیر پذیرفته است، لذا باید به این فناوری‌ها در زیرنظام استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی، توجه ویژه شود.

۲. براساس مبانی فن‌شناختی آموزشی، فناوری‌های آموزشی در درگیر نمودن حواس پنج‌گانه در فرایند یادگیری و ثبات و ماندگاری آن در فراگیران نقش اساسی و مهمی دارند، براین اساس در زیرنظام استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی، توجه به تناسب هریک از روش‌های فناورانه با حواس پنج‌گانه از ضروریات است.

۳. استفاده بهینه از فناوری آموزشی در نظام تربیت و آموزش، مستلزم ایجاد زیرساخت‌های فرهنگی، فنی، برنامه‌ای، محتوایی، منابع انسانی متخصص و بسترهای ارتباطی مناسب است که برای تحقق این زیرساخت‌ها، زیرنظام استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی، باید نقش مهم و اساسی خود را از طریق تهیه استانداردهای مناسب ایفا نماید.

۴. با توجه به ویژگی‌های آموزش‌های الکترونیکی و مجازی مبنی بر حذف حضوری فراگیران در کلاس‌های درس و برقراری تعامل از راه دور با تمامی عوامل تدریس، لازم است زیرنظام

استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی، برای این نوع از آموزش‌ها برنامه‌ریزی نموده و بستر لازم را در قالب استانداردهای مناسب فراهم نماید.

۵. فراگیری محوری و یادگیری محوری از جمله ویژگی‌های مهم آموزش‌های از راه دور و مجازی است که نتیجه آن، مطالعه مستقل و اکتشافی فراگیران این نوع آموزش خواهد بود. لذا با توجه به این ویژگی، روش خودارزیابی استانداردهای ارزشیابی پیشرفت تحصیلی باید در دستور کار زیرنظام استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی، قرار گیرد.

ط. تأثیر مبانی سازمان و مدیریت

۱. براساس مبانی سازمان و مدیریت، زیرنظام استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی، در راستای مأموریت‌های مربوطه باید پاسخگویی استانداردهای آموزشی مورد نیاز برای آموزش‌های مناسب برای انجام بهتر این مأموریت‌ها باشد.

۲. براساس مبانی سازمان و مدیریت، اصل مسئولیت‌پذیری و انعطاف‌پذیری ایجاب می‌کند تا هر رده سازمانی و حتی هر عنصر سازمانی در صورت لزوم و هنگام عدم دسترسی به مافوق به بهترین نحو اتخاذ تصمیم و عمل نماید. براین اساس، سازوکار استانداردسازی در زیرنظام استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی، به گونه‌ای باید فراهم شود که کلیه کارکنان سازمان از اعتماد به نفس خود مطلع و در همه‌حالت خود را مسئول و پاسخگو ببینند.

۳. براساس مبانی سازمان و مدیریت تربیت و آموزش، زیرنظام استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی، باید با توجه به سطح و نوع تهدیدها به استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی متناسب با نیازهای متناسب با تهدیدها، اقدام نماید.

۴. با توجه به محیط‌های متفاوت و متعدد مأموریتی سازمان‌ها و شرایط و ویژگی‌های هر یک از آنها، زیرنظام استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی، باید با توجه به این شرایط و ویژگی‌ها، براساس رویکرد بوم‌شناختی (محیط‌های با ویژگی‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و...) توجه نموده و به استانداردسازی تحت عنوان استانداردسازی مبتنی بر موقعیت اقدام نماید.

ی. تأثیر مطلوب‌های تربیت و آموزش

۱. ارزش‌هایی همچون ایمان محوری، عقل‌گرایی دینی، دانش‌اندوزی و تفقه در دین، اخلاق‌مداری و عمل‌گرایی به‌عنوان بیانیه، گزاره‌های ارزشی، اصول، بایدها و نبایدهای اساسی

است که در تمامی مقاطع و سطوح تربیت و آموزش باید مبنای کار و مورد توجه قرار گیرند که تحقق بهینه این مطلوب‌ها استانداردسازی مناسب را طلب می‌نماید، ضمن اینکه، همه آنها باید در زیر نظام استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی، به عنوان خطوط راهنما مورد توجه و عمل قرار گیرند.

۲. نظام تربیت و آموزش، سامانه فراگیر تعلیم و تربیت سرمایه انسانی و ایجادکننده انواع توانایی‌های مورد نیاز کارکنان به لحاظ فردی و سازمانی برای انجام رسالت و مأموریت نظام تربیت و آموزش است. لذا به منظور تعیین میزان تحقق این نقش‌ها و انتظارات، زیرنظام استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی باید استانداردهای مناسب نیروی انسانی را تدوین و پیاده‌سازی نماید.

بحث و نتیجه‌گیری

از آنجا که تحقیق مشابهی در این حوزه انجام نشده است، یافته‌های این تحقیق قابل مقایسه با دیگر پژوهش‌ها نیست. بررسی ادبیات و نتایج این تحقیق نوع و میزان تأثیر ابعاد هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی مبانی دینی و فلسفی، مبانی روان‌شناختی، مبانی زیست‌شناختی، مبانی سازمانی - اجتماعی، مبانی فن‌شناختی، مطلوب‌های نظام تربیت و آموزش سازمانی را مشخص نمود، لذا طراحان نظام تربیت و آموزش سازمانی، مخصوصاً طراحان و برنامه‌ریزان زیرنظام و فرایندهای استانداردسازی آن، باید در طراحی، پیاده‌سازی و اجرای زیرنظام این مبانی و تعیین‌کننده‌ها و نیز نوع، میزان و محل تأثیر آنها را در نظر داشته و این تأثیرها را اعمال نموده و در تمامی مراحل طراحی، پیاده‌سازی، اجرا و نظارت مد نظر داشته باشند. یک زیرنظام استانداردسازی مناسب برای نظام تربیت و آموزش سازمانی در استفاده از منابع و مراجع استاندارد از قبیل استانداردهای بین‌المللی، استانداردهای منطقه‌ای، استانداردهای ملی ایران و سایر کشورها، استانداردهای سازمانی و انجمنی باید رعایت ملاحظات همه‌جانبه فرهنگی و سازمانی را بنماید. از آنجا که براساس استانداردهای پایه، کلیه اقدامات مرتبط با تدوین سند استاندارد، برنامه‌ریزی و اجرا می‌شود و منابع و امکانات گسترده‌ای به تدوین سند استاندارد اختصاص می‌یابد؛ ضروری است که در بررسی‌ها منابعی به‌عنوان مرجع انتخاب شوند که نیازهای

کلیه ذی‌نفعان نظام تربیت و آموزش را پوشش داده و متناسب با مبانی و تعیین‌کننده‌های مطرح شده در این تحقیق باشند. برای حفظ همگامی و هماهنگی با تحولات و پیشرفت‌های ملی و جهانی در زمینه‌های دفاعی، امنیتی، سیاسی و اقتصادی - اجتماعی، صنایع، علوم و خدمات، در زیرنظام استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی باید همواره از آخرین نسخه تجدیدنظرشده منابع و مراجع با ملاحظه مبانی و تعیین‌کننده‌های مذکور استفاده شود. نظام استانداردسازی تربیت و آموزش باید تلاش نماید استانداردهایی تهیه کند که ضمن برخورداری از سطوح بالاتر استاندارد، ترجیحاً استاندارد منطقه‌ای و یا ملی، متناسب با فرهنگ، مبانی و تعیین‌کننده‌های بنیادین مطرح شده در این تحقیق باشند تا با توجه به گستردگی ذی‌نفعان آن قابلیت پذیرش عمومی‌تری داشته باشند.

از آنجا که استانداردها باید برای پوشش نیاز کلیه ذی‌نفعان تدوین شوند و همچنین کلیه ذی‌نفعان باید در تدوین آن مشارکت داشته باشند، لذا مناسب است منابع منتخب در زیر نظام استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی به گونه‌ای انتخاب شوند که قابلیت پذیرش بیشتری از طرف ذی‌نفعان داشته و ضمن مطابقت با مبانی و تعیین‌کننده‌های بنیادین این تحقیق، ذی‌نفعان با این منابع آشنایی کافی داشته باشند و منابع در حوزه مورد نیاز برای تدوین از شهرت مناسبی برخوردار باشند. به دلیل تنوع استانداردهای مورد نیاز در نظام تربیت و آموزش سازمانی، بهتر است سازمان یا مؤسسه‌ای معتبر به‌عنوان مرجع، برای انتخاب منابع پایه جهت تدوین استانداردها و مطابقت آنها با مبانی و تعیین‌کننده‌های بنیادین این تحقیق، مشخص شود تا تأثیرات این مبانی و تعیین‌کننده‌ها در انتخاب استانداردها و منابع استاندارد، مد نظر قرار گرفته و بتوان مراجع استانداردسازی بیشتری از جمله مراجع استانداردسازی بین‌المللی، منطقه‌ای، ملی، سازمانی و انجمنی را مورد بهره‌برداری قرار داده و در وقت و هزینه صرفه‌جویی نمود.

منابع

ایردی طامه، احمد؛ فضایی، احمد و حسینی شاهرودی، سیدمحمد (۱۳۹۰). مطالعه و تدوین مبانی نظام تربیت و آموزش سازمانی - طرح شهید مطهری، نظام جامع تربیت و آموزش سازمانی، تهران: مرکز پژوهش‌های شهید بهشتی.

حجتی، محمدباقر (۱۳۶۴)، آداب تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.

- حسین پور، رضا (۱۳۹۲)، طراحی فرایند استانداردسازی نظام تربیت و آموزش سازمانی، پروژه ۱۶۰۰ از طرح شهید مطهری، تهران: مرکز پژوهش‌های شهید بهشتی.
- حسینی نسب، داود و علی اقدم، اصغر (۱۳۵۷)، فرهنگ واژه‌ها و تعاریف تعلیم و تربیت، تهران: آثار معاصر.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۳)، سیری در تربیت اسلامی، تهران: انتشارات دریا.
- شاهرودی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۹)، مطالعه و تدوین دیدگاه‌های دین مبین اسلام و رهنمودهای حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری در زمینه تعلیم و تربیت، تهران: معاونت تحقیقات غیرصنعتی.
- شریعتمداری، علی (۱۳۷۴)، جامعه و تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ سیزدهم.
- شعاری نژاد، علی‌اکبر (۱۳۹۰)، فلسفه آموزش و پرورش، تهران: انتشارات سپهر.
- شعبانی، بختیار (۱۳۸۴)، فلسفه تربیتی شما چیست؟، مشهد: انتشارات به‌نشر.
- شکوهی، غلامحسین (۱۳۸۷)، تعلیم و تربیت و مراحل آن، مشهد: انتشارات به‌نشر.
- فضایلی، احمد (۱۳۹۱)، تعیین‌کننده‌های بنیادین نظام جامع تربیت و آموزش سازمانی، طرح شهید مطهری، تهران: مرکز پژوهش‌های شهید بهشتی.
- فضایلی، احمد (۱۳۹۲)، مطلوب‌های نظام جامع تربیت و آموزش، طرح شهید مطهری، تهران: مرکز پژوهش‌های شهید بهشتی.
- قورچیان، نادرقلی (۱۳۸۲)، کالبدشکافی مؤلفه‌های مؤثر بر آموزش و پرورش و استانداردهای آن، تهران، اولین همایش استاندارد و استانداردسازی در آموزش و پرورش، دفتر بهبود کیفیت.
- مرتضوی، سیدمحمد (۱۳۷۵)، اصول و روش‌ها در نظام تربیتی اسلامی، مشهد: انتشارات گلنشر، چاپ هفتم.
- ملکی، حسن (۱۳۸۷)، دیدگاه برنامه درسی فطری - معنوی «مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی»، تهران: مجله علوم انسانی بومی - دینی، ش ۲۸.